



مهرداد بذرش در کنفرانس راه آهن خاورمیانه: کریدور ساحلی جنوب کشور تا ۲ سال و راه آهن رشت - آستارا تا ۳ سال آینده آماده می شود

# در مسیر احیای راه ابریشم

مذاکره درباره حضور شرکت های ایرانی در پروژه های ریلی کشورهای منطقه و سرمایه گذاری همسایگان در پروژه های ریلی و بندری ایران

صفحه ۳



با کشیده شدن انتخابات ترکیه به دور دوم سناریوهای محتمل برای پیروزی اردوغان یا قلیچداراوغلو کدام است؟

## معادله سخت

انتخابات ترکیه و یادآوری شورش اصلاح طلبان علیه صندوق رأی در سال ۸۸ دوباره فصاحت سبز

صفحات ۲ و ۳

### تیتراهای امروز

اذعان اندیشکده معتبر آمریکایی به حضور مقتدرانه جمهوری اسلامی در آب های جنوب

## خلیج فارس در کنترل ایران



روسیه: در حمله به کی یف با موشک مافوق صوت سامانه پدافند آمریکایی نابود شد

## کینژال علیه پاتریوت

شرکت مدیریت منابع آب ایران: ۱۲ سد کشور در آستانه سرریز شدن است رشد ۲۷ درصدی ورود آب به سدهای کشور

## سدهای سیراب

بارش برف و کولاک ساکنان استان های شمال غرب کشور را غافلگیر کرد

وزیر کشور: اولویتی مهم تر از انتخابات و مشارکت مردم وجود ندارد

## زنگ شروع انتخابات مجلس

به بهانه هفته سی ام لیگ برتر: بررسی هفته های آخری که ناگهان قهرمان را عوض کرد

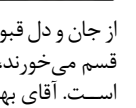
## شوک های تاریخی

صفحه ۶

### نگاه

به بهانه سالگرد وفات عارف واصل حضرت آیت الله العظمی محمد تقی بهجت هیج اندر هیج اندر هیج

حجت الاسلام والمسلمین علی بهجت: یکی از مسائلی که یک روحانی را به یک روحانی مردمی تبدیل می کند مردم او را



از جان و دل قبول می کنند و اصطلاحا به سر او قسم می خورند، عدم خودبینی و اخلاص زیاد است. آقای بهجت با اینکه در جوانی اجتهاد را کسب کرده بود اما تا آخر عمر کسی از ایشان نشنید که بگوید من مجتهد هستم، چه برسد به اینکه ابراز کند من اعلم هستم! آنچنان خود را در مقابل خدا به عبودیت و خاکساری و خود ندیدن زده بود که در مقابل خلق هم همین طور بود. ایشان خود را نمی دید و به عبارت بهتر باید گفت اصلا خود نشناخت. امضای جوانی ایشان نزد بزرگواران علامه طباطبایی حکایت از همین واقعیت دارد که روی یک پاکت نوشته بود «هیج اندر هیج اندر هیج، محمد تقی بهجت فومنی». واقعا هم خود را هیچ نمی دانست. همه نشانه های برتری را پاک می کرد و معتقد بود این نشانه ها بی ارزش هستند. همه عناوین را از خود حذف می کرد

از جمله استاد، آیت الله و... اما متأسفانه امروز بعضی طلاب خواسته شان این است که آنها را آیت الله خطاب کنند. آقای بهجت مرجع تقلید بود اما اگر ایشان را آیت الله خطاب می کردیم بسیار نازحت می شد. پسر من دیستانی بود و در تکلیف مدرسه نوشته بود آیت الله بهجت. آقای بهجت این کلمه را در دفتر پسرم دید و مرا صدا کرد و با عتاب گفت چه کسی این کلمه را به این بیچه یاد داده است. وقتی رساله ایشان می خواست به چاپ برسد اجازه نداد روی این کتب نام ایشان را بنویسند و می گفت این تبلیغ است؛ چه برسد به اینکه اجازه دهد آیت الله بنویسند. در نهایت توانستم اسم مولف و امضای ایشان را بگذاریم «الغد محمد تقی بهجت».

اصلا در برابر مردم عادی غرور و تکبر نداشت و حتی خود را ذره ای بالاتر از مردم نمی دانست. مردم به راحتی می توانستند با ایشان ارتباط برقرار کنند. این شیوه ارتباط بی تکلف با توده مردم سیره خلف صالح ایشان قاضی، مرحوم نخودی کی و... همه با عامه مردم همین گونه رفتار می کردند. بزرگان دین ما مردم را از خود نمی رانند و هیچ گاه به کسی نمی گفتند فلانی تو خبیث و بی دین و ملعون و... هستی. البته اگر خلاقی می دیدند از باب نهی از منکر تذکر می دادند ولی از مردم بی زاری نمی جستند.

روایت بازدید ۳ ساعته رهبر انقلاب از سی و چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

### اینجا خانه من است

حکیم است. ویکتور هوگو یک نویسنده معمولی نیست، واقعا به همان معنایی که ما مسلمانان «حکیم» را استعمال می کنیم و به کار می بریم، یک حکیم است و بهترین حرف هایش را در «بینوایان» زده است. «بینوایان» هم یک کتاب حکمت است و به اعتقاد من، همه باید «بینوایان» را بخوانند. ۱۳۷۲/۶/۲۹

تلفات ایشان به رمان در یکی دیگر از غرقه ها هم تکرار شد. وقتی ناشر از تولید بعضی رمان های دوزبانه گفت، با واکنش جالب ایشان روبه رو شد که این دوزبانه چاپ کردن رمان، قیمت آن را بالا می برد و به مخاطب فشار می آورد؛ مخاطب آمده رمان بخواند نه زبان! در کنار یادداشت کردن جمله «همه باید بینوایان بخوانند» این جمله را هم یادداشت می کنم که «مخاطب آمده رمان بخواند نه زبان». و در ادامه از قول خود می نویسم: رمان بخواند و کیفش را ببرد ولو اینکه برخی مدعیان، منع رمان کنند!

همه اینها اما باعث نمی شود رمان و داستان ایرانی به حاشیه برود. اواخر بازدید، هنگامی که آقا مشغول دیدن عناوین غرقه انتشارات نیماژ بودند، مدیر نشر حرف را به آنجا کشاند که دیگر به داستان ایرانی اقبال زیادی نمی شود. واکنش آقا دوباره جالب و معنادار می شود. چیزی به این مضمون که فرق می کند که چه نوع داستانی باشد: «چرا! اگر از این مقلدین داستان تو باشن، این را کسی استقبال نمی کند؛ یک وقت نه، داستان درست و حسابی و کلاسیک است». بله! اگر داستان مطلق اصول کار شده باشد، مخاطب دارد و طبعاً از آن استقبال هم می شود.

من با جایزه کاری ندارم. فارغ از بحث رمان و ادبیات و کاغذ، موضوع فروش هم از مسائل مورد توجه و مکرر در رفت و برگشت های آقا با ناشران بود؛ اینکه آثاری که منتشر می شود در چه ساعاتی است (در برنتر این را هم بگویم که در تمام ۳ ساعت بازدید حواسم مشخصا به استفاده از واژه شمارگان بوده حتی یک بار هم از واژه فرنگی تیراز استفاده نکردند) و چقدر فروش می رود و با استقبال مردم مواجه می شود. فرقی هم نداشت که ناشر، شعر و ادبیات و رمان منتشر می کند یا آثاری در حوزه فکر و اندیشه انقلاب اسلامی

صحبت های ناشران با آقا برای اهالی فرهنگ و ادب جذابیت دارد و همین روایت مکتوب نیز تنها بخش هایی از آن را به رشته قلم در آورده اما آنچه مسلم است، بیان ناقص و مخدوش مطالب و احیاناً استفاده نامناسب و ابزاری از آنها در شأن دست انداران عرصه نشر و کتاب و فرهنگ دویستاد نیست.

در غرقه نشر سخن اما در کنار بحث گرانی کاغذ، مساله تکريم و تعظيم زبان فارسی توسط ترک زبان ها هم مطرح شد و اینکه بهترین آثار درباره فارسی را ترک زبان ها نوشته اند. آقای مختارپور رئیس کتابخانه ملی از ورود این ناشر به حوزه چاپ رمان گفت که دلیل اصلی اش فروش بهتر رمان و تسهیل اقتصاد نشر برای ناشر است. آقای علمی هم تأیید کرد و گفت هر چند دارند این کار را می کنند اما به دل خودشان نیست، چرا که با علاقه و خواست اصلی شان فاصله دارد. آقا در مقام یک رمان خوان جواب دادند: «کار بدی هم نیست». در دفترچه یادداشت من این را یادداشت می کنم که بعدها اگر دوباره جایی بحث رمان و شرک امیز توصیف کردند توسط بعضی مدعیان شده، این موضع آقا را یادآوری کنم.

همه باید «بینوایان» را بخوانند. در غرقه سوم و بازدید از نشر هرمس هم بحثی که گل انداخت، رمان بود. مدیر نشر نخستین اثری که به آقا معرفی کرد ترجمه جدید «بینوایان» و ویکتور هوگو بود. احتمالاً از علاقه رهبر انقلاب به هوگو مطلع بود که در ادامه بعضی عناوین دیگر جناب هوگو را معرفی کرد. آقا هم موضوع را ادامه دادند، رو به حلقه افراد نزدیک خود کردند و گفتند: «یک کتاب خوبی دارد ویکتور هوگو آیه نام! داستان یک جنایت! آن هم خیلی خوب است». اینجا هم یاد موضع بعضی مدعیان اقدام در نگاه منفی به رمان و طرد آن. احتمالاً برای شان جالب باشد که یک فقیه و مرجع تقلید چنین نگاهی به رمان دارد. جالب تر اینکه همین فقیه و مرجع تقلید، به همان نویسنده خارجی را «حکیم» توصیف کنند، به همان معنایی که مسلمانان واژه حکیم را معنادار می کنند و دوباره جالب تر اینکه همین فقیه و مرجع تقلید این صحبت ها را در دیدار دست انداران بر گزار می هفته «دفاع مقدس» بیان کرده باشند. «ویکتور هوگو یک

### گزارش محمد هادی نامری - محمدصادق علیزاده: «در این

حوزه از دست من ادیگر [ کاری بر نمی آید. زانم کار می کند که آن هم... کار با این آقایان است! ] اینها را آقا در پاسخ به درخواست آقای علمی، مدیر نشر سخن می گویند که خواسته بود برای مهار قیمت کاغذ اقدامی انجام شود. چند ثانیه ای همه می روند در بهت و فضا سنگین می شود. در نهایت وزیر ارشاد جلو می آید و از اقدامات انجام شده برای افزایش تولید کاغذ می گوید سرکنشی قیمت کاغذ در یک دهه اخیر به طرز عجیبی قیمت کتاب مثل فیلم و زینک و صحافی و چاپخانه و هر بند کاغذ در ابتدای دهه ۹۰ حالا رسیده به بندی یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان! تقریباً ۱۹۰۰ درصد افزایش! کنار این افزایش ۱۹۰۰ درصدی، اگر دیگر هزینه های تولید کتاب مثل فیلم و زینک و صحافی و چاپخانه و هزینه کارگر و کارمند و امثالهم را هم اضافه کنیم، نتیجه اش می شود همین وضعیت امروز و گلایه مردم و اکثر ناشران از خاستی که قیمت پشت جلد کاغذ می دهد و فاصله اش را با سید خانوار دورتر می کند. در چنین شرایطی نخستین راه حل، مهار قیمت کاغذ است؛ موضوعی که آقا در مصاحبه پایانی نمایشگاه هم به آن اشاره کردند: «من البته چند سال قبل بر این مساله تاکید کردم، همت نکردند که دنبال کنند؛ حالا خب! بحمدالله شروع کرده اند. امیدواریم این کمک کند این قیمت بالای کتاب ها- که خرید کتاب با این قیمت ها واقعا سخت است- بشکند و با ارزان شدن کاغذ، با آمدن کاغذ داخلی مرغوب، این وضع بهتر شود». ۱۴۰۲/۲/۲۴

به شکل سرسام آوری گران شده است. مسؤولان این غرقه هم مانند بعضی دیگر از ناشران می خواستند چند عنوان از کتاب های خود را به عنوان هدیه به رهبر انقلاب تقدیم کنند که البته در خبرهای منتشر شده بعد از نمایشگاه در رسانه ها به اشتباه به عنوان خرید کتاب توسط آقا اعلام شد! اتفاقات نمایشگاه کتاب و